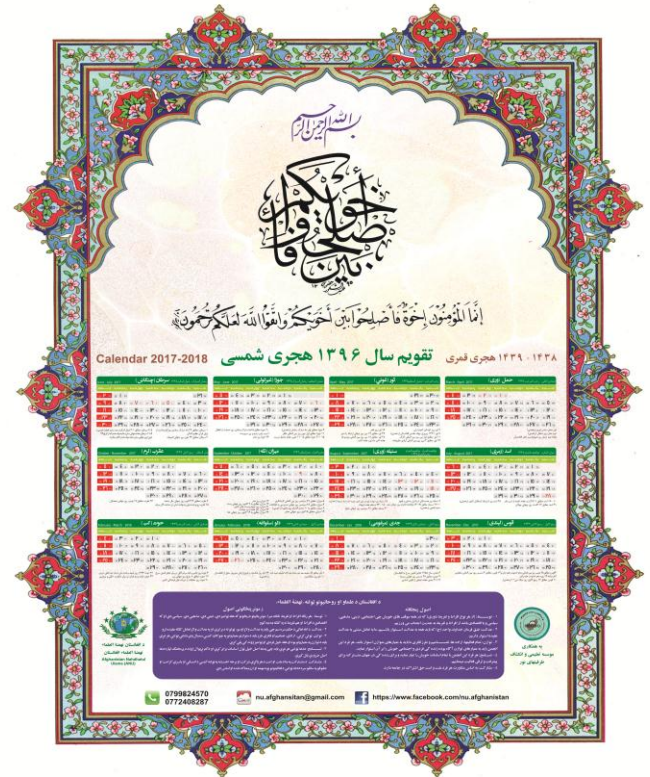




**علاقمندان میتوانند جنتری 1396
هـ ش را از دفتر مرکزی نهضة
العلمای افغانستان دریافت نمایند**

**افراط گرایی در جوامع اسلامی
عوامل آثار و حل آن**

نسایي و ابن ماجه در سنن و امام احمد بن حنبل در مسند خود از حضرت عبدالله بن عباس (رض) روایت می کند که رسول الله (ص) فرموده اند: "ایاکم و الغلو فی الدین فانما هلك من کان قبلکم بالغلو فی الدین".

همچنان آیه 77 سورة المائدة در خطاب به اهل کتاب می گوید که: "لاتغلو فی دینکم". در دین خویش زیاده روی نکنید.

پدیده افراط گرایی و یا "التطرف" تنها متعلق به جوامع اسلامی نمی باشد بلکه این پدیده بین پیروان تمام ادیان و حتی گروه های سیاسی سکولار و بی دین نیز متوقع می باشد. افراط گرایی آن طرز تفکری است که در آن تغیر جذری در یک نظام اجتماعی حاکم مطلوب می باشد، که به این اساس هر تغیر جذری در دانش لازم نیست چیزی ناپسند و یا سلبی باشد، ولی در اینجا غرض آن طرز تفکر افراط گرایانه است که آثار سلبی و نتایج ناخوشایندی را برای جوامع اسلامی و بالخصوص گسترش و پخش دعوت اسلامی به بار می آورد.

طوریکه طرز تفکری افراطی خوارج در قرن اول هجری وحشاشیهها در چهار قرن بعد از ظهور اسلام سبب تشنج و قتل و غارتها در جوامع اسلامی شده سبب و مانع از سرعت انتشار دعوت اسلامی در کل آسیا و آفریقا گردید، که در حقیقت یک سلسله کشمکش های سیاسی و منافع ذاتی این گروه ها در لفافه دلایل دینی از منبع قرآن و احادیث پیامبر گرامی (ص) تبرییه میشد، که به همان منوال افراط گرایی امروز نیز منافع ذاتی و مصالح سیاسی گروه های افراطی به صبغه دینی و یا دلایلی از نصوص کتاب الله و سنت پیامبر (ص) برانته داده می شود.

پدیده افراط گرایی و تفکر متطرف نتیجه عوامل متعددی است که از آن جمله میتوان به دو عامل بارز آن اشاره کرد. نا کامی نظام های سیاسی و دولت های حاکم در اکثریت از کشورهای اسلامی که البته این امر کاملاً واضح است بعد از

آنکه خلافت عثمانی سقوط کرد با وصف سه کنفرانس بین المللی که یکبار در قاهره و دو بار در مکه مکرمه تدویر یافت علما نتوانستند به یک صیغه کامل و شامل برای یک نظام سیاسی برای کشورهای اسلامی دست یابند.

قرآن و احادیث نبوی (ص) برای نظام یک دولت مثال خاصی را تعیین نمی کند، نظام جامعه مسلمانان در مدینه منوره را که علما منحیث یک مثال بیان می دارند نمیتوان برای عصر حاضر که زنده گی برای خود ابعاد مختلف، پیچیده و مشکلات گوناگون دارد تطبیق کرد، ولی آنچه که واضح است اینست که پیامبر گرامی (ص) نظام جامعه مدینه منوره را به اساس شورا و مبادی شریعت اسلام برپا داشت.

عامل بارز دومی را تلاش و جستجوی سیکولاریستی ها و لیبرالها برای جاگزین ساختن این نظام در تمام جهان بالخصوص بعد ازینکه جنگ سرد به پایان رسید و نظام اشتراکیت در اروپای شرقی سقوط کرد که برای رسیدن به این هدف گروه های نظام های سکولار و لیبرال با به کار انداختن تمام وسایل مطبوعاتی، رسانه ای و الکترونیکی سعی میکنند تا فرهنگ های دیگر را تحت شعاع قرار داده و آن را مضمحل نموده به این شکل به زعم ایشان به یک جهان مرفه و پیشرفته و عادل دست یابند.

که در نتیجه تعدادی از پیروان دین اسلام با این تلاشها از طریق طرز تفکر افراطی برخورد نموده و مقابله میکنند که در عین زمان عدم آگاهی از تعلیمات وسطی دین مبین اسلام به بریدن حلقوم پیروان دین خود نیز دست دراز نموده و به تکفیر دیگران اعمال خویش را تبرییه میکنند.

علاوه بر این دو عامل میخوام توجه شما را به افراط گرایی که زاده خشونت بنابه فهم نادرست از دین است معطوف نمایم که البته آنهم افراط گرایی دینی است که درد مشترک همه ملت ها و کشورهاست.

تمامی کشورها و ملت های جهان به نحو مستقیم یا غیر مستقیم، از این خشونت عقیدتی وسازمان یافته متأثر می شوند. افراطگرایی دینی تنها جنبه رفتاری ومادی ندارد، بلکه دارای جنبه های فرهنگی، اعتقادی، اجتماعی، امنیتی، سیاسی وسلوکی و برخوردی می باشد.مداوای این درد مشترک و بیماری مسری و اپیدمی دینی، نیازمند یک اقدام مشترک جهانی، امت اسلامی و همه جانبه با ملاحظه تمام ابعاد سیاسی، اجتماعی، امنیتی و فرهنگی آن می باشد.

خشونت تنها یک رفتار نادرست نیست؛ بلکه یک فرهنگ مخدوش است. یک عقیده ناصحیح ویک باور غلط است. یعنی افراطگرایی دینی یک نوع دینداری ودین مداری جاهلانه، متعصبانه ومغرضانه است. اگر افراطگرایی تنها جنبه رفتاری می داشت، امکان درمان آن وجود داشت وساده تر بود. ولی افراطگرایی دینی یک باوراست. باور تکفیری، باور خشونت وباور تقدس جنایت!

از این رو، درمان این باوردینی وریشه کن کردن این سرطان فکری، کوشش بسیار می طلبد وعزم جهانی در ابعاد مادی ومعنوی لازم دارد. مقابله با اندیشه تکفیری ومکتب تکفیری که امروزه به نام های گوناگون خوانده می شود فقط یک گرایش یا عمل نیست؛ بلکه مبنای معرفتی دارد، بدین لحاظ مبارزه معرفتی وعقیدتی در راس برنامه ها باید باشد.

برخی می گویند: فقر، تبعیض، ظلم واستبداد عوامل افراطگرایی است؛ ولی به نظر می رسد که این امور می توانند زمینه سازخشونت یا نا آرامی اجتماعی باشند، اما عامل افراطگرایی دینی نمی باشند. بدیهی است هرکس فقیر شد پرچم اسلام که در آن خونریزی جواز داشته باشد را بردوش نمی کشد. پس عامل افراطگرایی دینی را باید درآموزه های دینی ویا سوء استفاده از دین ویا در متون دینی جستجو کرد.

به نظر می رسد که عوامل افراطگرایی دینی از لحاظ نظری وعقیدتی عبارتند از:

- ۱ - استفاده گروه های سیاسی از نام دین
- ۲ - وجود برخی از متون مخدوش و موضوعی در منابع دینی؛

**نویسنده: دکتر فضل الغنی کاکر
مؤسس نهضة العلماء افغانستان**

۳ - وجود فتواهای جاهلانه ومتحجرانه؛

۴ - سوء استفاده از مفاهیم دینی در رقابت های منطقه ای.

۵- عدم وجود عدالت اجتماعی

۱ - استفاده گروه های سیاسی از نام دین

با استفاده گروه های سیاسی از دین در طول تاریخ اسلام، کشتی امت مسلمان در دریای خون شناور گردید. سیاسی شدن دین ورقابت بر سر قدرت و سلطنت، چنان دمار از مسلمانان کشید که هیچ مساله ای دیگری چنین نابودی وتباهی را به همراه نداشت. به اندازه ای که در اسلام بر سر قدرت شمشیر کشیده شده وخون ریخته شده، بر سر هیچ مساله دیگری چنین خونریزی صورت نگرفته است.

نه تنها اسلام، بلکه هردین وآیینی که سیاسی شود خشونت آمیز می شود؛ چرا که سیاست متکی به قدرت، سلطه واقتدار است. سیاست بدون زور وفشار وتحکم اجرا نمی شود؛ ولی دین وآموزه های دینی جنبه اخلاقی ومعنوی وایمانی دارد. ایمان واخلاق بر عکس سیاست، با تحکم وزورگویی وخشونت سازگار نیست وزور واجبارمومنان را متنفّر می کند ودرنهایت ایمان را ضعیف می سازد. به همین دلیل است که قرآن کریم می گوید: "لا اکراه فی الدین". اجبار واکراه دردین پذیرفته نیست. دین اجباری وواکراهی خسارت بار می شود ونخستین خسارتش هم متوجه خود دین می گردد.

یعنی دین مکتب انسان سازی است نه خیابان سازی وشهر سازی واداره ی مادی جامعه. به این توضیح که دین وقرآن کریم برای هدایت انسان ها آمده است.

قرآن کریم قلمرو فعالیت خودرا بیان کرده است:« هوالذی بعث فی الامیین رسولا منهم بئلا علیهم آیاته وبزکیهم ویعلمهم الکتاب والحکمه... » یعنی عرصه فعالیت دینی بعد معنوی و اخلاقی وتربیتی انسان است. تعلیم انسان، تزکیه انسان، و متعالی سازی انسان در دستور کاردین است.

می دانیم که انسان دارای دو بخش مادی ومعنوی است. روح وجسم. مسلماً بخش روحی ومعنوی انسان قلمرو دین است نه بخش جسمی ومادی انسان. الرسول طیب دوار بطبه. پیامبر طیب روح وروان انسان است نه طیب جسم او.

قرآن کریم حتا به پیامبر (ص) هم اجازه نداده است که تبلیغ دین را با خشونت وزور انجام دهد. قرآن کریم به پیامبر عتاب می کند که چرا این همه جدیت به خرج می دهد! « ولوشاء ربک لآمن من فی الارض کلهم جمیعا افانت تکره الناس حتی یكونوا مومنین.» سورة یونس آیت ۹۹، یعنی ای پیامبر (ص)! اگر خدا می خواست با زور واکراه مردم را دیندار کند همه مردم دارای یک دین وایمان می شدند؛ آیا تومردم را اکراه می کنی که ایمان بیاورند؟ یعنی تو از خدا دلسوز تر شدی؟

چنان که ذکر شد، سیاست متکی به قدرت است ولی دین متکی به معنویت. سیاست با قدرت وحاکمیت وسلطنت توسعه پیدا می کند؛ ولی دیانت با منطق، استدلال واقناع.

قرآن کریم می گوید:« ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ » (نحل/۱۲۵) با فرزاندگی و اندرز های نیکو به سوی پروردگارت دعوت کن و به بهترین شیوه با مخالفین به گفتگو بنشین.

نیز پیامبر عزیز و گرامیش را این گونه وصف نموده است: « لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ » (توبه/۱۲۸) قطعاً برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید به [هدایت] شما حریص و نسبت به مؤمنان دلسوز و مهربان است.

اما در عرصه ی (دعوت و تبلیغ) زور و خشونت جایگاهی ندارد. در حدیث صحیح آمده است:

« ان الله يحب الرفق فی الامر کله » خداوند آسان گیری و نرمخویی را در همه ی امور دوست دارد.

پیامبر گرامی اسلام (ص) فرموده است: « ما دخل الرفق فی شيء الا زانه و لا دخل العنف فی شيء الا شانه » عطوفت و رأفت در چیزی وارد نشد مگر که به آن زینت و آراستگی بخشید، خشونت و زور نیز در چیزی وارد نشد مگر که چهره آن را زشت و ناپسند گردانید.

ادامه دارد...



نهضت العلماء افغانستان در یک نگاه

نهضت العلماء افغانستان یک سازمان فرهنگی اجتماعی بوده، که جهت انسجام فکری و ذهنی علمای دین با همت جمعی از علماء جهید و متبحر دین سه سال قبل در شهر کابل بنیان گذاری شد. این نهضت با شماره (۸۸۲) در وزارت عدلیه ج.ا. ثبت سازمان های اجتماعی می باشد. این نهضت در ۹ سرطان ۱۳۹۳ خورشیدی اعلام موجودیت و فعالیت های روشنگرانه خود را آغاز نمود.

چشم انداز

چشم انداز نهضت العلماء، جامعه سالم و زندگی صلح آمیز، مدارا، مدیریت، مشورت، مشارکت و رعایت ارزش های فرهنگی و موازین اخلاقی برای رسیدن به یک جامعه فاضل و متعادل در روشنی دین مقدس اسلام می باشد.

رسالت

رسالت نهضت العلماء همانا انسجام علماء دین، تبیین دیدگاه ها، توحید نظریات، روشنگری اذهان، حراست از حریم دین، ترویج معارف اسلامی، حفظ ارزش ها، ایجاد زمینه های بیشتر برای عالمان دین، ارتقای سطح بینش و ظرفیت روحانیون و علمای کرام می باشد.

اهداف

انسجام عالمان دین، ایجاد روحیه همکاری و همفکری، رشد و انکشاف آموزش دینی، زمینه سازی برای حکومتداری خوب، تعامل بین علم و ایمان، تقریب بین مذاهب، هماهنگی بین مکتب و مدرسه، ارتقای ظرفیت و سطح بینش علماء و جلوگیری از استفاده ابزاری از علماء اهداف عمده و کلیدی نهضت شمرده می شود.

شمه از فعالیت ها

فعالیت های نهضت العلماء به صورت اساسی به دو بخش تقسیم می شود:

الف: فعالیت درون مرزی:

فعالیت های درون مرزی یا داخلی نهضت العلماء بر محور دین می چرخد. هر آن چه که مربوط به درس دین، فهم دین، پیام دین، بیان دین، تشریح دین، توضیح دین، تفسیر دین، تطهیر دین از خرافات و دفاع از دین تشکیل می دهد. که این فعالیت های نظر به امکانات در قالب های مختلف تدریسی، تنفیذی، تمرینی، و تادیبی و ... انجام می گیرد.

ب: فعالیت های بین المللی:

از فعالیت های بین المللی نهضت العلماء فراهم سازی بورس های تحصیلی، زیارتی و سیاحتی برای عالمان دین و امامان مساجد که دارای ظرفیت های بالای علمی آند به کشور های اسلامی اعطاء میگردد تا به دانش و بینش شان افزود گردد.

و دیگر دعوت از علمای بزرگ جهان اسلام به داخل کشور برای تبادل نظر، مشوره و مذاکره با علمای داخل کشور جهت ارتقای سطح بینش و دانش علمای دین می باشد.

مقدمه:

زن گوهری است که از میان همه مخلوقات خداوند بر گزیده شد تا عقل و شعور که خداوند به او هدیه نموده است به درجات بلند کمال و ترقی پانواده وبه عنوان گل سرسید هستی شگوفا گردد.

اما با تأسف فراوان تاریخ گواه بر آن است که نیمه ازپیکیره جامعه الثانی "زن" تحت ضربات همیشه شمشیر های جهل و نادانی افراط و تفریط قرار گرفته است و قابل تأمل بیشتر اینکه درجوامع و نظام های بنام اسلام نادیده گرفتن حقوق اساسی و انسانی زن بیشتر به چشم می خورد در حالیکه دین و آموزنده های دینی برای زن نکات قابل توجه و مهمی را به ارمان آورده است.

درکشور عزیز ما افغانستان با اینکه درشرایط کلی نظام : زمینه های منابع برای رشد و شکوفای فرهنگ و اندیشه بوجود آمده است اما هنوز هم تهدیدات علیه آزادی بیان و بیان حقیقت های دینی از جانب کج اندیشان و متحجران دینی دراین کشور وجود دارد .

جایگاه برجسته علمأ دینی و آگاهان جامعه ایجاب میکند تا به عنوان اصلاح گران جامعه بیش از گذشته دربیداری مردم و تبیین نسطقی از معارف الی وجدا کردن حقیقت دین و معنویت از خرافات و کج اندیشی ها و تفسیر های نا بجا و خود سرانه ، احساس

مسئولیت کنندگام های استوار دراین زمینه برابrand. حقوق زن درجامعه افغانستان ازاهمیت وتوجه بیشتر برخورد داراست زیرا زمان دراین سرزمین محرومیت های مضاعف درکشیده اند و تا هنوز نیز به حقوق خود دسترسی ندارد ، بدون شک بیشتر این ستم ها نتیجه برداشت های خرافی ازدین و رسومات نابجای سنتی و قبیلوی است که آن را نا آگاهانه با دین گیره زده اند.

دردین نوشته سعی شده است مفهوم خشونت و راه حل نجات از رفتار خشونت آمیز مورد بحث وتوجه قرار گیرد و روشن گردد که زن با برخورد اری از حقوق که دین به انها داده است میتواند معماران جامعه باشد نه یک قشر مقهور ومحروم.

مفهوم خشونت :

خشونت از نظر لغوی چنانچه درفرهنگ معاصر فارسی آمده است عبارت از و"ضع یا کیفیت خشن ،تندی،پرخاشگری وسخت گیری " ونیز خشونت از نظر آگاهان امور عبارتند از هرگونه عمل خشونت آمیز مبتنی بربر جنسیت که منجر به آسیب ،رنج جسمانی،جنسی یا روانی شود،محرومیت ومحدود ساختن آزادی فردی واجتماعی درمحیط زندگی وهرگونه تهدید درمحیط زندگی شخصی.

آلن پرفیت فرانسوی محقق ونویسنده درامور جنای می نویسد:(شونت تنها به جرایم ارتکا بی گفته نمیشود ، دررفتار عادی ومعمولی جامعه با همدیگر بدون اینکه جنبه یا جنابیتی مطرح باشد دیده میشود.ونوع خشونت وپرخاشگری به چشم میخورد به صورت که میتوان گفت که خشونت با مهارت وزبردستی جای برای خود دررفتار روزمره ومعمولی مردم بازکرده است.

خشونت دردین اسلام

دیدگاههای متفاوتی درمورد خشونت وجود دارد بصورت که برخی از اندیشمندان خشونت را یک امر فطری وغریزی میدانند وعده ای آن را یک امر اکتسابی ومحیطی تلقی میکنندواینکه خشونت درمحیط اجتماعی قابل پیش گیری وکنترول می باشد.

معارف درآموزهای دینی به این نکته اشاره میکند که خداوند جهان هستی را درحالت اعتدال استوار ساخته وفطرت انسانی را نیز به عدل دراعتدال قرارداده است ونمی پذیرد .

اما با تاسف که مادر عصر شکوفا.فرهنگ واندیشه شاهد هزاران بی رحمی ها انواع خشونت های جاهلانه برانسان ها اعم از زنان ومردان درکشورهای اسلامی وبخصوص درافغانستان هستیم.

خشونت علیه زن درافغانستان

نویسنده: محمد

سرور توحیدی
(عضو رهبری
NUA)



پیامبر گرامی اسلام میفرماید:

"ما غَضِبَ أَحَدُ الْأَشْقَى إِلَى جَهَنَّمَ" یعنی هیچ کسی به خشونت وستم رونیاورد ،مگراینکه آن شخص ستم پیشه ،به جهنم نزدیک شود.

درکتاب الوافی ازفیض کاشانی ازامام صادق (ع) روایت شده است که حضرت علی (ع) فرموده است :

"للاتسان لمتان، لمة من الشيطان ولمة من الملك فلمته من الملك الدقة والفهم، ولمته من الشيطان السهو والقسوة."

درووجود انسان دوکشش وجاذبه وجود دارد یکی کشش شیطانی ودیگری کشش وجاذبه ای فرشته الهی کشش شیطانی خشونت قسادت بی رحمی سهل انگاری است اما کشش فرشته با ریک بینی ، ترحم برایشان ها ودرک وشعور وآگاهی است ، ونیزپیامبر گرامی اسلام فرمود: "من كف غضبه كف الله عنه عذابه" یعنی کسیکه غضب وبی رحمی خودرا درمحیط اجتماع کنترول می کند .خداوند (ج) عذاب جهنم وقیامت را ازاو برمی دارد.

بسیار تأسف بار اینست که رفتارهای خ شونت آمیز ونا شایسته بنام دین انجام می گیرد درحالیکه دین ازآن گونه آموزه ها بری وپیراسته است به امید روزی که دستورات واقعی دین درجامعه همگانی شود وازقید وبند رسم ورواجهای سنتی وافراد افراطی رهای یابد.

رهکارهای رهای از خشونت

توسعه فرهنگی در جامعه یکی ازراهای از خشونت است .دین اسلام انسان رااززننجیرها ومحدویت های جاهلی رها ساخت .زیرا جهل استعداد های انسانی را سرکوب نمودند وعناصر اندیشه وفکر را که جامعه به کمال میرساند درانسان می میراند وجهل انسان را به اطاعت اهوهای نفس بصورت کورانه فرامیخواند اینجاست که توسعه فرهنگی باعث میشود انسان اندیشه وتفکرش استواری پیداکند واستقلال یابد وپایه های باورهای داشت دینداری بدورازافراط وتفریط شکل گیرد.

پیامبر اسلام (ص) نیز اشاره به همین نکته اساسی فرماید:

هیچ دست آوردی برای انسان به اندزه کمال عقل نیست که آن صاحبش را به هدایت واقعی سوق میدهد ازانواع گمراهی نجات میدهد.

یکی ازصفات برجسته خداوند(ج) بودن است وپیامبر(ص) دررابطه با ارزش علم وعالم میفرماید : "فضل العالم علی سایر العباد کفضل القمر علی سایرالنجوم"یعنی فضلیت شخص عالم برسایر بندگان خداهمانند فضلیت وبرتری قمر ومهتاب برسایر ستارگان است.

وحضرت علی (علیه سلام) خطاب به کمیل فرمود:" يا كَمِيلُ الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ"

یعنی علم ودانای نجات دهنده انسان ازهلاکت وبیچارگی است، درحالیکه برای حفظ مال انسان باید تلاش کند.

با توسعه علمی وفرهنگی است که دید گاهها واندیشه تغیر ورشد یافته وبا وجود علم وآگاهی ، اسعداد انسانی احساس شخصیت وفرهیختگی وکمال بوجود خواهد آمد.

چه زیبا فرموده است مولانا جلال الدین محمد بلخی:

جهان را کسی را ست اندرجهان

که اگه بود کارکار آگهان

چه نیکو متاعی است کار آگاهی

از این نقد عالم مباداتهی

د رهبری هیأت دغرو

مواصفات

● د الله (ج) په وحدانیت د نبوت په ختم د اسلامی شریعت په کامل حاکمیت معتقد او قایل وی.

● د شرعی علم څخه برخمن وی.

● د سواد خاوند وی، اقلأ په لیک او لوست کښی مشکل و نه لری.

● د نیکو اعمالو خاوند او په هیڅ شخصی او ملی جرم ملوث نه وی.

● متعهد، سربښدونکي او د افغانستان د نهضت العلما لپاره د هر رنگه قربانی لپاره چمتو وی.

● د توسط اعتدال، توازن، مشارکت او مشورت په اصولو باوری وی

● دافغانستان د ځمکنی بشپړتیا، استقلال، ترقی او انکشاف لپاره د مثبتو نظریاتو او تدابیرو خاوند وی.

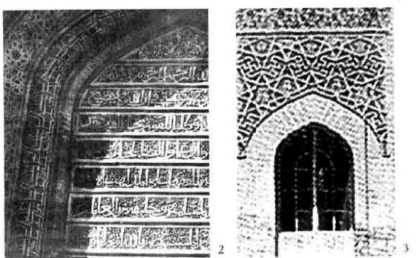
● د شرعی نظام او جمهوری ارزښتونو طرفدار وی.

● د علماو قیادت ته په سیاسي، نظامی، ټولنیز او اقتصادی دگرونوکي په هر اړخیز نقش متعهد وی.

ارزش انسان از دیدگاه اسلام

این روش بس ساده و دارای تأثیرات فراوان می باشد که بعضاً افراد گمراه و یا درگیر مشکل رهیاب میشوند. درین کار ضرورت به مهارت، صبر، تحمل و بردباری میباشد. گاه گاهی دوستی ها باعث نجات و راه یابی میشود و باید هم در خاطر داشت که بعضی تأثیرات منفی دوستان بی راه باعث خرابی و یا بد نامی میشود. اگر داعی به اخلاق اسلامی ظاهر و باطن اش مزین باشد در آن هیچ خلل وارد نخواهد شد. باید محتاطانه قدم برداشت و با ایمان و ثیق و عمل پیهم میتوان مقصد عالی را حاصل کرد.

Baghdad (Madinat al-Salam)



ادامه مقاله . . .

مقاله علمی در ارتباط به صلح و جایگاه آن از نگاه اسلام



نویسنده: سید صلاح الدین هاشمی
رئیس نهضة العلماء افغانستان

این تمام مصیبت ها دامن گیر من توست. ولی این ها برای خود خوب قصر ها و بلند منزل ساختن و در بانک های داخل و خارج خوب سرمایه گذاری کردند. اینها میتوانند که به آسانی فرار کنند میتوانند که باشند ولی در چهار طرف شان دیوار های فولادین را برای حفاظت شان مهیا کرده اند. اما حال ما و شما چی میشود جز اینکه کشته شویم چنانچه که شاهد هستیم هر روز از هر دو طرف به ما بمباران و انتحار انفجار فقط و فقط من و تو کشته میشویم و فرزندان ما و شما تکه تکه شده و توت هایشان به هر طرف پاشان میشود پس ما باید صلح را بخواهیم و ما باید آواز صلح را بلند کنیم و ما بگوئیم که نفرین بر جنگ، نفرین بر آنانیکه این جنگ را ادامه میدهند و این جنگ را شعله ور میسازند و این را ما و شما بگوئیم و این تغییر را ما و شما بیاوریم چرا که خداوند(ج) میفرماید: ان الله لا یغیر ما بقوم حتی یغیروا ما بانفسهم الله (ج) هیچ ملت را تغییر نمیدهد و عوض نمیکند تا خود شان تغیر را نخواهند و تا خود شان آواز بلند نکنند. و هر گاه آواز حق را بلند کردیم دفاع از مظلوم و در مقابل ظالم ایستادگی کردیم باز در آن وقت تغییر میاید. هر گاه آواز بلند کردیم باز هر دو طرف جنگ میفهمند که چی گپ است. بناً خواهش من این است که در هر جا که بودیم و هستیم آواز صلح را بلند کنیم و بگوئیم که «و صلح خیر» صلح خیر است نیک است و به خیر دنیا و آخرت ما است. و هر گاه جنگ بوده باشد معادن مارا دزدی میکنند چرا که جنگ است و در جنگ هستیم فعلاً امریکا معادن ما را دزدی کرده روان است. و هیچ کس خبر هم نمیشود و به کیلومتر در آن ساحه به کسی اجازه داده نمیشود.

چرا؟ بخاطریکه جنگ است پس هر گاه جنگ نبوده باشد در آن صورت هر کس که وارد کشور ما میشود باز میدانیم چی میکند و در کجا هست و چی هدف دارد و چی داخل کشور میشود و چی بیرون مملکت پس عزیزان و هموطنان گرامی بیانید که چند کار را بکنیم. 1: رابطه خود را با خالق خود مستحکم گردانیم چون جنگ مصیبت است و این مصیبت در حقیقت تازیانه الهی است که به سبب دوری ما از رب ما بالای ما نازل گردیده است تا دوباره رابطه خود را با پروردگار خود مستحکم نکنیم نجات نخواهیم یافت. 2: التجاه به الله بکنیم و از الله متعال بخواهیم چون بسیار چیز ها نزد ما وشما نا ممکن است ولی نزد خدا(ج) بسیار آسان پس از سوز دل و از عمق قلب تصرع به درگاه ذات ذوالجلال (ج) بکنیم و از او بخواهیم که یارب العالمین قلب های بندگان بدست بلا کیف خودت است تو قلب های شان را به سوی صلح مایل گردان تو به لطف و کرمات آنها را نرم دل گردان و این مصیبت را از سر ما دفع کن.

3:خود ما هم عزم متین و راسخ کنیم و توان این را بدست بیاوریم که برای آنها نه بگوئیم و در مقابل شان مردانه وار استاده شده و شجاعانه سخن حق را بگوئیم و در این راه قربانی یتیم و نگراریم که دیگر ما را از هم دور کنند و از ما سوی استفاده کنند و به الله متعال قسم است هر کس که کشته میشود در حقیقت یک بار سنگین بالای شانه های ما و شما گذاشته میشود یتیم و بیوه آن برای ما میماند و مصیبتش را ما و شما بر دوش خود حمل میکنیم نه دزدان و غارتگران و تشنه گان قدرت بلکه این مصیبت شانه های من و تو را خم میکند و نه از معامله گران را بناً باید رحم بکنیم هم بالای خود و هم بالای اولاد های خود.

و از الله(ج) بار بار بخواهیم که صلح را نصیب ما کند و در هر مجلس که حضور پیدا میکنید آواز صلح را بلند کنید و در مجلس که حضور پیدا میکنید بگوئید که نفرین بر جنگ، نفرین بر آنهایی که ادامه میدهند جنگ را، و نفرین به آنها که به صلح و مذاکره تن نمیدهند و نفرین به آنها که صلح نمی خواهند و نفرین بر آنهایی که قیودات را میگذارند همین کلمات را بگوئید و در هر جا شعار خود بسازید. تا اینکه ما برویم بطرف امن و صلح دوستان نهایت محترم برادران و خواهران مسلمان نهضت العلماء افغانستان که توسط مجموعه از علمای نخبه دانشمندان استادان بزرگان جوانان مخلص خواهران دلسوز و مهربان تشکیل شده است شب و روز تلاش میورزد تا اینکه قضیه صلح را به صفت یک فریضه دینی و یک وجبیه اسلامی و حس وطن دوستی به گوش تمام ملت افغانستان برسانند. به امید روز که درین کشور جنگ زده و تن زخمی زخمی دیگر صدای فیر مرمی و توپ تانگ و انفجار و انتحار و ریختن بم های تباه کن مثل مادر بمب هاییکه امریکای جنایت کار که بالای وطن عزیز ما ریخت دیگر صدایی شنیده نشود و این ملت مظلوم و مسلمان دم آرام نفس کشیده و زندگی پر از امن صلح و محبت را نصیب شوند.

والسلام علیکم ورحمة و برکاته

برادر و خادم شما سید صلاح الدین هاشمی رئیس نهضت العلماء افغانستان

گاه فکری ضعیف داشت نه چنین نبود بلکه جان و مال خود را در خدمت حضرت اما حسن آماده کرده بودن، و در جانب دیگر شخصیت حضرت اما حسن(رض) به هیچ وجه مقایسه نمیشود با حضرت معاویه(رض) چرا که حضرت حسن کسی است که در کسائی حضرت رسول الله(ص) بزرگ شدن وجناب آنحضرت(ص) در باره شان میفرماید: کسی که حسن و حسین را دوست بدارد به تحقیق مرا دوست دارند و کسی که با این دشمنی کند در حقیقت با من دشمنی میکند. خلاصه از هر حیث که بگیری چه از نظر علم حضرت حسن به مراتب بالاتر است از حضرت معاویه از حیث نسب به مراتب بلندتر است نسبت به حضرت معاویه از حیث عبادت و تقرب به پروردگارش به مراتب بلندتر است نسبت به حضرت معاویه(رض) خلاصه از هر حیث هیچ قابل مقایسه نیست. ولی با وجود این همه سعادت ها و نیک بختی ها و جایگاه و مقامی که داشتن هنگامیکه بحث صورت میگیرد حضرت حسن(رض) میگوید هر گاه این چوکی سبب قتل و قتال و ریختاندن خون مسلمانان شود من از آن میگذرم در حالیکه خلیفه بر حق مسلمانان و بیعت هم همایش صورت گرفته تمام چیز خلاص است و باز هم میگوید هر گاه این چوکی و پایین آمدن من از این چوکی سبب آمدن صلح آرامش در بین مسلمانان میگردد من تیر هستم و قبولش ندارم. سبحان الله شما خود ببینید و خود قضاوت کنید مسلمانان گرامی انعطاف و تنزل به کدام اندازه صورت میگیرد و حضرت امام حسن میاید در اینجا با حضرت معاویه بیعت میکنند و میگوید: که این مسئولیت مبارک شما باشد شما امیر المومنین باشید. پس شما خود قضاوت کنید سروران عزیز که با این عقب نشینی و از خود گذری حضرت امام حسن (رض) ذلیل شد؟ ناکام شد؟ آیا این صلح صلح ذلت بود؟ خیر بلکه در تاریخ بزرگترین انسانیکه نامش به خط زرین نوشته شده و هر مسلمان قنوه و اسوه حسنه خود بگیرند او حضرت حسن بن علی(رض) است. پس معلوم شد که در این صلح خیر بود و صلح سرتاسر خیر است چرا خیر است؟ هنگامیکه در میان مسلمانان جنگ ختم شد نتیجه چی شد؟ نتیجه قوت های مسلمانان وارد اورپا شد، قوت های عسکری مسلمانان وارد چین شد قوت های عسکری مسلمانان تمام افریقا را فتح کردند و درین وقت است اسلام به عنوان یک امت عزیز نیرومند وارد میدان شد. در میان امت دوستی مواخات نشر علم نشر ارزشها و ایجاد یک تمدن بزرگ تمامش تهداب گذاری شد وخشت هایش گذاشته شد.

پس حالا کسی گفته میتواند این صلح صلح ذلت بود؟ نه هرگز بلکه بزرگترین خیر و فلاح در آن نهفته بود، خلاصه اینکه بار دیگر باز هم تکرار میکنم که در افغانستان قضیه به جنگ حل نمیشود. و هرکسی که میگوید که به جنگ حلش میکند دروغ میگوید و خائن هستند. ما نهضت العلماء افغانستان به هر دو طرف جنگ که دولت است و مخالفین دولت واضح میگوئیم که قضیه را به جنگ حل کرده نمیتوانید پس وقتیکه نمیتوانید پس چرا به صلح حاضر نمیشوید ما به صراحت میگوئیم که بخاطر خدا و بخاطر این ملت مظلوم و بیچاره دیگر از جنگ دست بردارید چرا که بودن جنگ در کشور مصیبت آور است جنگ از ما همه چیز را گرفته و میگیرد، امن و استقرار مارا میگیرد، عزت خوشی ترقی پیشرفت های مارا از ما میگیرد، اقتصاد مارا از بین برده و محبت هارا از ما میگیرد، مارا ذلیل خوار و رسوا میکند. پس بیانید ای هموطنان عزیز ای کسانی که واقعا قلب تان به حالت ناگوار ملت و کشور تان متالم و دردمن میشود بخاطر دور کردن موانع از سر راه صلح اقدامات جدی کنیم ولو که به تعدیل بعضی از ماده های قانون اساسی هم باشد دریغ نکنیم چرا که اگر به تغییر بعضی از ماده های قانون اساسی اگر صلح دایمی و قطع شدن جنگ به میان میاید باید که تغییر بخورد. برادران و خواهران مسلمان بخدا قسم اگر ما و شما آواز صلح را بلند نکنیم این ها هر دو صلح را نمی خواهند. چرا نمیخواهند؟ بخاطریکه اصلا مردم بیچاره و فقیر ما کشته میشوند، دزدان و چپاول گران کشته نمی شوندو کسانیکه در چوکی های نرم و موتر های مودل بالا سوار است آنها کشته نمیشوند هر روز من و تو کشته میشویم. اولاد های ما و شما کشته میشوند و یتیم میشوند زنهای ما بیوه و پدر مادر های ما بی اولاد میشوند.

پس در این حال ما و شما تماشا کنیم که این ها مارا فریب بدهند نه دیگر نباید فریب شان را بخوریم دیگر نباید که خاموش باشیم و باید بگوئیم که صلح را من و تو میاوریم چرا که کشته هم من و تو میشویم، مظلوم بیچاره من و تو می شدیم، در بحر غم من تو و واولاد های ما و شما غرق شدند

که در این مرحله استخدام قوت هم ضروری است. چرا که بدون استخدام قوت صلح آمدنی نیست و امکان ندارد چرا که الله (ج) در این مورد میفرماید: واعدولهم مستطعم من قوه و بعد انجام قوه اگر به صلح تن دادن باز الله (ج) میفرماید: و ان جنحو لسلم فجنح لها و توکل علی الله که شما نیز همایشان صلح کنید و توکل تانرا بخدا کنید چرا که وقتی شما قوه داشتن باز هر قوه جهانی و هر نیروی منطقه در همان لحظه برایتان دست دوستی و صلح را پیش میکند. پس در آن وقت است که مرحله سوم شروع میشود که او را خداوند متعالی در آخر همین آیت بیان کرده و میفرماید: فان فاءت فاصلحو بینهما با العدل و اقسطوا ان الله یحب المقسطین اگر باز گشتن و از جنگ دست بردار شدن و به صلح تن دادن پس در بین شان صلح کنید و به عدالت صلح کنید و خوب سنجیده نصیب و حق هر کدام شان را در نظر گرفته باز بین شان فیصله بکنید.

تا که این سه مرحله را بترتیب طی نکنیم در این ملک صلح نماید خلاف پروگرام خدا قسم به الله اگر یک هزار سال بز نیم صلح را نصیب نمیشویم چرا راهی را که خدا گفته و انتخاب کرده در او راه غلطی نیست و به غیر او راه صلح هم آمده نمیتواند.

نکته دیگر در راه آوردن صلح بسیار موثر است و بدون آن باز هم آمدن صلح نا ممکن و یا دشوار است و آن تنزل و انعطاف و خود گذری است چرا که تا وخت که تنزل نکنیم یعنی چیزی را به دست میاوریم باید یک چیز را از دست بدهیم تا اینکه بستر مناسب را برای صلح آماده کرده بتوانیم و این تنزلات به معنی این نیست که در اذهان و افکار بعضی ها خطور کند که تنزل و انعطاف به معنی شکست و یا ذلت و ناکامی است که در حقیقت چنین نیست چرا که ما در تاریخ درخشان اسلام مثال های زیبا و زنده داریم که تنزل و خود گذری سبب عزت کامیابی و پیشرفت اسلام و مسلمانان گردیده

مثال اول:

صلح حدیبیه: سروران گرامی شما خود ببینین و قضاوت کنید که جناب آنحضرت (ص) در وقت نوشتن پیمان صلح با مشرکین به کدام اندازه از خود گذری و تنزل میکند. وقتی حضرت علی(رض) بند های پیمان صلح را نوشته میکند در قدم نخست شروع به بسم الله الرحمن الرحیم میکند سهیل بن عمر که از طرف مشرکین به حیث نماینده تعین شد میگوید که نخیر فقط بسمک اللهم نوشته کن آنحضرت میگوید درست است دوم وقتی نوشته میکند که از جانب محمد رسول الله باز اعتراض میکند که نخیر اگر ترا رسول الله قبول میگردیم باز همراهی نمی جنگیدیم فقط نوشته کن از طرف محمد بن عبدالله. باز آنحضرت(ص) میفرماید درست است و به دست مبارک خود آنرا خط میزند و دیگر پیشنهاد مشرکین را که میگویند اگر مسلمان پیش ما آمد آنرا دوباره مسترد نمیکنیم برای شما و اگر نفر از ما برای شما آمد آنرا دوباره برای ما تسلیم کنید و امسال برای تان اجازه عمره هم نیست سال آینده بیائید جناب رسول اکرم(ص) میفرماید که درست است و تمام این فرمایشات آنها را قبول میکند که در این مورد بعضی از اصحاب کرام به این فکر شدن که این تنازلات نهایت زلت است حتا که حاضر نبودن که قربانی هایشان را ذبح کنند ولی آنحضرت(ص) این را هم قبول کردند پس نتیجه چی شد نتیجه به سود و منفعت مسلمانان ختم شد که الله(ج) بشارت داد مسلمانان به یک فتح عظیم که عبارت از آن فتح مکه بود بعد از یک سال صورت گرفت چرا چنین شد بخاطریکه در قدم اول بستر را هموار کرد و زمینه را مساعد ساخت. پس شما خود قضاوت کنید که آیا در اینجا ذلت نصیب شد و یا فتح و عزت؟ واضح است که عزت نصیب مسلمانان شد چرا که الله(ج) برای صلح خیر گفته است، و هرگز در صلح شر وجود ندارد. مثال دوم خود گذری حضرت امام حسن(رض) وقتی حضرت علی(رض) به شهادت میرسد به کرسی خلافت حضرت حسن(رض) تکیه میکند و تمام مردم بالعموم کسانیکه در مدینه بودند با حضرت اما حسن(رض) بیعت میکنند و خلیفه برحق مسلمانان انتخاب میشود، که در این مورد آنحضرت(ص) فرمودند: الخلافة فی امتی ثلاثون سنة: خلافت راشد بر امت من سی سال است و شش ماه حضرت حسن(رض) را که داخل کنیم(30) سال آن پوره میشود. بناً خلیفه راشده و بر حق مسلمانان حضرت حسن بن علی(رض) است. و کسی که در مقابل حضرت حسن(رض) مخالفت میکند حضرت معاویه بن ابو سفیان است. در حالیکه قوت و نیروی حضرت حسن به آن اندازه بود که به آسان ترین طریقه میتوانست حضرت معاویه را شکست بدهد و از سر راهش بردارد و همچنان در قلوب مردم جای داشت و از محبوبیت خاص در بین مردم برخوردار بود و عسکر حضرت اما حسن(رض) عسکر نبود که پیام نداشت و یا تکیه

تصاویر سخن میگوید



کنفرانس سالانه نهضة العلماء افغانستان، تحت عنوان محبت با انسانیت

